

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۱-۱۹

مطالعه دوگانگی در بازار کار مناطق روستایی و شهری ایران

محمدعلی فیض پور و گلسا صالحی فیروزآبادی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۴

چکیده

تفکیک مکان بر حسب مناطق روستایی و شهری موضوعی است که از دیرباز، به ویژه در ادبیات جغرافیایی تجزیه و تحلیل شده است. البته در حوزه اقتصاد، می توان بازار کار را از مهم ترین بازارها قلمداد کرد و از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی سطح توسعه این بازار به تفکیک مناطق روستایی و شهری است. برای تعیین سطح توسعه بازار کار، از میان شاخص های متعدد این بازار، چهار شاخص نرخ بیکاری، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص، سهم شاغلان بخش صنعت، و سهم شاغلان بخش خصوصی در طول سال های برنامه چهارم توسعه انتخاب و برای تلفیق آنها، از روش برترین پیشنهاد از راه حل ایده آل استفاده می شود. نتایج پژوهش نشان می دهد که نه تنها سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری دارای دوگانگی به نفع مناطق شهری است بلکه با گذشت زمان، این تمایز به سمت واگرایی بیشتر پیش می رود.

کلیدواژه ها: بازار کار / بیکاری / اشتغال / مناطق روستایی / مناطق شهری / ایران.

* * *

* به ترتیب، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه یزد؛ و نویسنده مسئول و کارشناس ارشد علوم اقتصادی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (golsa.salehi@gmail.com).

مقدمه

دستیابی به توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار از اهداف اساسی بسیاری از کشورهای جهان است. با این همه، با پذیرش دیدگاه استقرایی در توسعه، می‌توان گفت که توسعه بازار کار یکی از نهادهای تأثیرگذار بر سطح توسعه و توسعه پایدار شناخته می‌شود. اگرچه می‌توان سنجش سطح توسعه بازار کار هر منطقه را به صورت کلی ارزیابی کرد، اما با توجه به ادبیات و شواهد موجود، لازمه تحلیل‌های درست تفکیک سطوح توسعه بازار کار بر اساس معیارهایی متفاوت مانند بخش‌های اقتصادی، گروه‌های سنی و یا جنسیت شاغلان است که می‌تواند بسیار بر آن تأثیرگذار باشد. با این همه، از میان عوامل مؤثر بر سطح توسعه، عنصر مکان از تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر آن محسوب می‌شود و بر اساس ادبیات موجود، می‌تواند به‌تنهایی (حتی با فرض ثبات سایر شرایط) عامل تفاوت سطوح توسعه در مناطق به‌شمار رود. از سوی دیگر، در ادبیات توسعه، نظریاتی متفاوت بر مبنای ارتباط و همگرایی مناطق مشاهده می‌شود که به بازار کار نیز قابل تعمیم است. از این رو، وجود همگنی یا عدم آن در بازار کار بین مناطق روستایی و شهری پرسشی است که باید پاسخ آن را در هر کشور جست‌وجو کرد. در ایران نیز با توجه به مطالعات انجام‌شده، تفاوت‌های میان بازار کار شهری و روستایی مشهود بوده^(۱) و چه‌بسا در ویژگی‌های اساسی این بازارها نظیر نوع عرضه و تقاضا و انعطاف‌پذیری آنها نیز تأثیر گذاشته است. همچنین، بررسی‌های انجام‌شده در اغلب کشورها و ایران نشان می‌دهد که فاصله گرفتن بازار کار این دو بخش می‌تواند پیامدهایی نوعاً نامطلوب برای کشور را رقم زند^(۲). بر این اساس، یافتن شاخص‌ها و روش طبقه‌بندی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری اهمیت می‌یابد و از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از شاخص‌های عمده بازار کار و روش برترین پیشنهاد از راه حل ایده‌آل (تاپ‌سیس^(۳))، به سنجش و مقایسه توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری استان‌ها و روند تغییرات آن طی سال‌های برنامه چهارم توسعه بپردازد؛ این دوره زمانی نخستین گام پنج‌ساله در راستای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود که در آن، بر دستیابی به فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد تأکید شده است.

مکان و توسعه بازار کار: مبانی نظری

سنجش سطح توسعه بازار کار با تأکید بر مکان یکی از رویکردهایی است که می‌توان در ادبیات توسعه کشورهای مختلف مشاهده کرد؛ و دوگانگی بازار کار نیز از نظریاتی است که در همین زمینه مطرح می‌شود. نظریه دوگانگی، به طور کلی، عبارت است از وجود ناهماهنگی و یا عدم تعادل در ساختار اقتصاد ملی یا بخشی یک کشور به گونه‌ای که یکی از دو بخش در شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر از بخش دیگر قرار گرفته باشد. این دو بخش دوش به دوش یکدیگر در مجموع ساختار اقتصاد ملی یا بخشی از اقتصاد را می‌سازند که حالتی نامتجانس و غیرهمگن به نظام می‌دهند، به طوری که حتی ممکن است مسیر حرکت این دو بخش کاملاً متفاوت و برداشت‌های آنها از توسعه و رشد کاملاً متضاد باشد (آسایش، ۱۳۷۵: ۶۹). بنابراین، بر اساس مفهوم بازار کار دوگانه که پس از مطالعاتی همانند مطالعه کین^(۴)، دوئرینگر و پیور^(۵)، سنت-پل^(۶) و بسیاری دیگر مطرح شد، بازار کار را می‌توان با توجه به دو بخش مجزای اولیه و ثانویه تقسیم کرد. در بازار کار اولیه، وجود تقسیم کار، شاغلان ماهر، دستمزدهای بالا و باز بودن راه برای ارتقای شغلی باعث می‌شود که ویژگی‌های این بازار به بازار کار شهری بسیار نزدیک باشد؛ برخلاف آن، در بازار کار ثانویه، تقسیم کار وجود نداشته، دستمزدها کم بوده، تغییرات شغلی زیاد و امکان ارتقای شغلی کمتر از بازار کار اولیه است که این ویژگی‌ها را بیشتر می‌توان در بازار کار مناطق روستایی مشاهده کرد (Launov, 2004: 5). بر این اساس، در صورت تقسیم بازار کار به دو بخش اولیه و ثانویه، می‌توان از این دو بخش انتظار سطوح متفاوت توسعه را نیز داشت و از این رو، توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری جدا از هم امکان‌پذیر است و با توجه به شرایط هر کدام، سطح متفاوت آن نیز پذیرفته شده به شمار می‌رود. از سوی دیگر، بر اساس پاره‌ای از مطالعات انجام شده در ادبیات توسعه، به ویژه طی پنجاه سال گذشته، هر جا سخن از توسعه شهری به میان آمده، توجه به توسعه روستایی نیز در صدر راهبردها قرار داشته است. به باور صاحب نظران مطرح‌کننده این نظریات، توسعه هیچ نقطه شهری یا کلان‌شهری با وجود روستاهای

توسعه نیافته امکان پذیر نیست؛ زیرا تعاملی که بین این دو منطقه وجود دارد، امکان تحقق انفرادی توسعه (در شهر یا روستا) را از میان می برد. برای نمونه، آن چنان که اپستاین و جوزف^(۷) تصریح دارند، توسعه روستایی و شهری فرآیندی مکمل و یکپارچه است که موجب تسریع توسعه ناحیه ای می شود (طاهرخانی و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۳: ۷). علاوه بر آن، از نظر راندینلی^(۸)، نظام ها از شکل گیری شبکه های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی و تعامل و کنش متقابل بین آنها پدید می آیند و از آنها تأثیر می پذیرند؛ همچنین، روند کنش متقابل از طریق روابط سکونتگاه ها شکل می گیرد و از این رو، روستاها، شهرهای کوچک و مادرشهرها در یک شبکه تعامل اجتماعی به هم می رسند؛ و به همین دلیل، راندینلی رسیدن به اهداف توسعه روستایی را جدا از شهرها عملی نمی داند (رکن الدین افتخاری و موحد، ۱۳۷۷: ۵). بر این اساس، با توجه به مجموعه مطالب ارائه شده، می توان از مقوله همگنی یا ناهمگنی بازار کار به تفکیک مناطق روستایی و شهری برای دستیابی به توسعه این بازار به مثابه مقوله ای دوگانه یاد کرد؛ در حالی که گروهی به تمایز توسعه این بازار و واگرایی آن در طول زمان معتقدند، در طیف دیگر، مدافعان نظریه همگنی و گرایش به همگرایی بیشتر قرار گرفته اند. بنابراین، برای دستیابی به دیدگاه حاکم، انجام پژوهش های مجزا در هر کشور اجتناب ناپذیر بوده و از این رو، تحلیلی از بررسی آن در ایران نیز در ادامه ارائه شده است.

ادبیات موضوع

تفکیک توسعه بازار کار بر حسب مناطق از مفاهیمی است که بعد از مطرح شدن نظریه دوگانگی اهمیتی خاص یافته و در این زمینه، مطالعات متعدد صورت گرفته است. از میان مطالعاتی که به توسعه بازار کار به تفکیک مناطق روستایی و شهری پرداخته اند، شاید بتوان مطالعات هریس و تودارو^(۹) و استیگلیتز^(۱۰) را از پراهمیت ترین و نخستین مطالعات دانست. آنها در مطالعات خود نشان داده اند که از عمده ترین دلایل مهاجرت روستا به شهر، دوگانگی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی در مقایسه با مناطق

شهری است (قره‌باغیان، ۱۳۷۲). در همین زمینه، می‌توان به مطالعه ریچ و همکاران (Reich et al., 1973) اشاره کرد که با بررسی دوگانگی بازار کار در آمریکا، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که این دوگانگی ناشی از ساختار نظام سرمایه‌داری است. فوئست و توم (Fuest and Thum, 2000) اثرات رفاهی مهاجرت ناشی از دوگانگی بین برخی از بخش‌های اقتصاد با چانه‌زنی دستمزد در بازار کار را بررسی کرده‌اند، که نتایج آن نشان‌دهنده اثر مثبت مهاجرت و وجود دوگانگی بازار کار در مقیاس وسیع است. همچنین، منگ و ژانگ (Meng and Zhang, 2001) به بررسی دوگانگی بازار کار به تفکیک شاغلان مهاجرت‌کرده از مناطق روستایی و ساکنان شهری در چین پرداخته‌اند، که نتایج آن از وجود تمایز میان این دو بخش در بازار کار حکایت می‌کند. لانوو (Launov, 2004) نیز در مطالعه خود، روش‌های جایگزین را برای آزمایش ساختار دوگانه بازار کار به کار گرفته و به آزمودن تغییر شغل در قالب عامل دوگانگی بازار کار در آلمان پرداخته و نتایج این مطالعه نیز مؤید نظریه دوگانگی بازار کار در آلمان است.

در ایران نیز مطالعاتی با استفاده از شاخص‌های عمده بازار کار و به‌ویژه نرخ اشتغال و بیکاری و با تأکید بر تقسیم‌بندی مناطق صورت گرفته است. برای نمونه، در مطالعه قدیری معصوم و همکاران (۱۳۸۴)، نیروی انسانی مناطق روستایی استان اصفهان از لحاظ کمی و کیفی طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ در کانون توجه بوده است؛ و بر اساس یافته‌های آن، مجموع عرضه نیروی انسانی در این مناطق طی سال‌های یاد شده رشدی معادل ۰/۷ درصد داشته و علاوه بر آن، نرخ اشتغال جامعه مورد بررسی در ۱۳۷۵، در مقایسه با ۱۳۳۵، با حدود ۶/۱ درصد کاهش مواجه بوده است؛ در این مطالعه، چنین نتیجه‌گیری شده که توزیع شاغلان در بین بخش‌ها دارای روندی متناسب است.

پناهی و مرسلی (۱۳۸۵) نابرابری اشتغال مناطق شهری و روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ را بررسی و نشان داده‌اند که طی دوره مورد بررسی، گرایش ایجاد فرصت‌های شغلی به سمت مناطق شهری بوده و همچنین، این نابرابری و شکاف اشتغال نه تنها در طول سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کاهش نیافته بلکه از

حدود چهار برابر سال‌های قبل از انقلاب به ۵/۶۲ برابر در سال‌های بعد افزایش یافته است؛ کمترین اختلاف در افزایش فرصت‌های شغلی طی سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ اتفاق افتاده و بیشترین اختلاف نیز طی ده سال ۸۵-۱۳۷۵ رخ داده است.

در مطالعه‌ای دیگر، مرسلی (۱۳۸۵) این بررسی را تنها در سطح استان آذربایجان غربی و در دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ انجام داده و نتیجه گرفته است که طی سال‌های یاد شده، گرایش ایجاد فرصت‌های شغلی به سمت مناطق شهری بوده است؛ اما برخلاف مطالعه قبل، این نابرابری و شکاف اشتغال در استان آذربایجان غربی و در طول سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کاهش یافته است.

سعادت و همکاران (۱۳۸۷)، در مطالعه خود، با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی فضایی و داده‌های اقتصادی-اجتماعی سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، ساختار فضایی تفاوت‌های بیکاری منطقه‌ای ایران را در سطح ۳۳۶ شهرستان بررسی کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان‌دهنده آن است که مناطق دارای بیکاری بالا و یا پایین خوشه‌هایی را در فضا تشکیل می‌دهند که به نظر نویسندگان، نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی فضایی میان مناطق بوده و در بعضی موارد، رفتارهای عوامل اقتصادی، که با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های فضایی توضیحی ناپایاست، نشان‌دهنده ناهمگنی فضایی است که پایداری و دوام فضا را اثبات می‌کند. پژوهشگران در مطالعات فرسنگی مطالعه میرشجاعی و ارضروم‌چیلر (۱۳۸۸) نیز یکی دیگر از مطالعات صورت گرفته در زمینه بازار کار ایران با در نظر گرفتن تفکیک مناطق است. در این مطالعه، بازار کار از جهات متفاوت مانند جنسیت، سن و منطقه در سال ۱۳۷۸ بررسی و نشان داده شده است که عدم تعادل بازار کار در بعد روستایی و شهری یکی از مختصات بازار کار ایران به‌شمار می‌رود.

در مجموع، بر اساس عمده مطالعات انجام‌شده، توسعه بازار کار مفهومی است که از مکان مورد بررسی بسیار تأثیر می‌پذیرد و به‌ویژه دارای تمایز عمده در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری است. از سوی دیگر، با وجود مطالعات صورت گرفته

در زمینه بازار کار شهری و روستایی، باید توجه داشت که اکثر مطالعات انجام شده در ایران به بررسی بازار کار تنها با یکی از شاخص‌های این بازار پرداخته‌اند و در هیچ کدام آنها ترکیبی از این شاخص‌ها در قالب یک واحد سنجش یگانه برای بررسی سطح توسعه بازار کار به کار گرفته نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی بررسی توسعه بازار کار در مناطق روستایی و شهری استان‌های کشور با استفاده از ترکیب شاخص‌های بازار کار در دوره برنامه چهارم توسعه است.

شاخص‌های بازار کار و ویژگی‌های آن

اولین مرحله در بررسی و تحلیل توسعه یافتگی بازار کار شناسایی شاخص‌هایی است که نمایانگر کیفیت بازار کار باشند. در ایران، اگرچه مرکز آمار در سال‌های گذشته از طریق طرح‌های سرشماری نفوس و مسکن و طرح‌های نمونه‌گیری وزارت کار و امور اجتماعی به تأمین نیازهای آماری بخش نیروی انسانی در کشور می‌پرداخت، اما از آنجا که هدف اصلی طرح‌های نفوس و مسکن دستیابی به شاخص‌های نیروی کار نیست و فاصله زمانی ده‌ساله بین اجرای سرشماری‌ها نیز دوره‌ای طولانی قلمداد می‌شود، آمار به دست آمده با استفاده از این شیوه پاسخ‌گوی نیازهای برنامه‌ریزی مربوط به نیروی کار نبوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۴). از این رو، از ۱۳۷۳، برای آمارگیری از نیروی کار در سطح کشور طرح‌های متعدد به اجرا درآمده که از آن میان، از ۱۳۸۴، طرح آمارگیری از نیروی کار به صورت سالانه و فصلی برای کل کشور و نیز استان‌ها به تفکیک مناطق روستایی و شهری آغاز شده است. از این رو، پژوهش حاضر نیز از شاخص‌های بازار کار مناطق روستایی و شهری استان‌های کشور طی پنج سال برنامه چهارم توسعه انتشار یافته در گزارش نتایج آمارگیری بازار کار مرکز آمار ایران در سال‌های ۹۰-۱۳۸۴ بهره گرفته است. در این گزارش‌ها، شاخص‌های عمده بازار کار مانند نرخ مشارکت، نرخ اشتغال، نرخ جمعیت دارای اشتغال ناقص، نسبت اشتغال، و سهم اشتغال در بخش‌های مختلف به تفکیک نقاط روستایی و شهری استان‌ها ارائه شده

است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای بررسی توسعه بازار کار، شاخص‌های زیادی وجود دارد که الزاماً دارای وزن‌های یکسان در محاسبه توسعه بازار کار نیستند و به همین دلیل، در بسیاری از کارهای انجام‌شده، نظر و سلیقه محقق نیز در محاسبات دخیل است. بنابراین، یافتن روشی مناسب برای وزن‌دهی به شاخص‌ها بسیار اهمیت دارد. وجود همبستگی شدید بین برخی از شاخص‌های بازار کار موضوع دیگری است که عدم توجه بدان می‌تواند نتایج را با تورش مواجه سازد.

مدل و روش پژوهش

با توجه به مشکلات مطرح‌شده، برای انجام پژوهش حاضر، نخست ضرایب همبستگی بین شاخص‌ها محاسبه و شاخص‌هایی با کمترین ضریب همبستگی و همپوشانی انتخاب شده است؛ این شاخص‌ها عبارت‌اند از: نرخ بیکاری، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص (نسبت جمعیت دارای اشتغال ناقص^(۱۱) به جمعیت شاغل)، سهم اشتغال در بخش صنعت^(۱۲) و سهم اشتغال در بخش خصوصی. با این همه، با حذف نه شاخص از سیزده شاخص موجود، لازم است شاخص‌های انتخابی با یکدیگر تلفیق شوند تا با دستیابی به سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری استان‌ها، امکان مقایسه آنها فراهم شود. بدین منظور، روش‌های آماری چندمتغیره متفاوت طراحی شده که از آن میان، روش «برترین پیشنهاد از راه حل ایده‌آل» از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. در این روش، که از سوی هوانگ و یون^(۱۳) معرفی شده است، با بهره‌گیری از روش آنتروپی شانن^(۱۴)، به هر کدام از شاخص‌ها وزنی متناسب داده می‌شود. در پی، مراحل دو روش «آنتروپی» و «برترین پیشنهاد از راه حل ایده‌آل» به‌طور خلاصه ارائه شده است.

۱- وزن‌دهی شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانن

- تشکیل ماتریس با درجه $m \times n$ که در آن، m مناطق کشور (استان‌ها) و n شاخص‌هاست؛
- محاسبه مجموع هر شاخص و تقسیم هر کدام از درایه‌های^(۱۵) ماتریس بر آن؛

- تشکیل ماتریس لگاریتم طبیعی مرحله دوم و ضرب آن در ماتریس مرحله دوم؛
- محاسبه مجموع هر شاخص در ماتریس مرحله چهارم (S_x)؛
- محاسبه مقادیر E و K به صورت:

$$E_j = -K/S_{xj} \quad K = \frac{1}{\ln(m)} \quad (4)$$

(m تعداد مناطق کشور است)؛

- محاسبه d (درجه اهمیت) و وزن شاخص‌ها؛
- $$d_j = 1 - E_j \quad W_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j} \quad \sum_{j=1}^n W_j = 1 \quad (5)$$

- استانداردسازی و تلفیق شاخص‌ها با استفاده از روش برترین پیشنهاد از راه حل ایده‌آل؛
- تشکیل ماتریس با درجه $m*n$ (m مناطق کشور و n شاخص‌هاست)؛
- استانداردسازی ماتریس مرحله اول با فرمول:

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{j=1}^m x_{ij}^2}} \quad (6)$$

- ضرب کردن ماتریس مرحله دوم در وزن‌های به دست آمده از روش آنتروپی شانن؛
- محاسبه راه حل ایده‌آل مثبت و منفی؛ و

$$D_{i+} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad \text{و } i = 1, 2, 3, \dots, m \quad (7)$$

$$D_{i-} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad \text{و } i = 1, 2, 3, \dots, m \quad (8)$$

- تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به پاسخ ایده‌آل:

$$CL_i^+ = \frac{D_i^-}{D_i^- + D_i^+} \rightarrow i = 1, 2, 3, \dots, m, \quad 0 \leq CL_i^+ \leq 1 \quad (9)$$

در رتبه‌بندی، گزینه‌ای که دارای بزرگ‌ترین فاصله نسبی نسبت به سایر گزینه‌ها باشد، بالاترین رتبه را به خود اختصاص خواهد داد^(۱۶).

تعیین و مقایسه سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری استان‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین و مقایسه سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری استان‌های کشور است. لازم به یادآوری است که دو شاخص نرخ بیکاری و سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص ماهیت ضدتوسعه‌ای در بازار کار دارند و در روش تاپسیس، به صورت معکوس وارد شده‌اند. در این قسمت، ابتدا نتایج مناطق روستایی و سپس، نتایج مناطق شهری ارائه شده است.

تعیین سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها

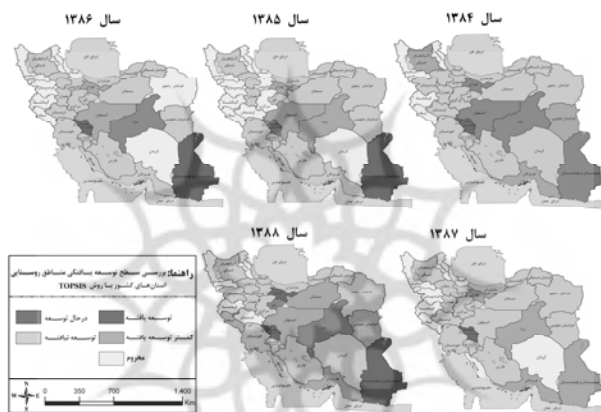
همان‌طور که در معرفی روش تاپسیس بیان شد، یکی از مزایای این روش نسبت به دیگر روش‌های تحلیل چندمتغیره وزن‌دهی آن به شاخص‌ها در محاسبات است که در پژوهش حاضر این کار از طریق روش آنتروپی شانن انجام و نتایج محاسبات در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، وزن شاخص‌ها در سال‌های مختلف متفاوت است. شاخص نرخ بیکاری در دو سال اول و شاخص سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص در سه سال دیگر پراهمیت‌ترین شاخص‌های مورد بررسی بوده‌اند. شاخص سهم اشتغال در بخش خصوصی نیز در همه سال‌های مورد بررسی کمترین وزن را دارا بوده است. لازم به یادآوری است که به دلیل ماهیت بخش کشاورزی و دامداری، مقدار این شاخص در تمام سال‌ها بسیار بالا و با تغییرات همراه بوده و از این رو، کمترین ضریب پراکندگی و در نتیجه، کمترین وزن را در روش آنتروپی شانن به خود اختصاص داده است.

جدول ۱- وزن شاخص‌های عمده بازار کار در مناطق روستایی با روش وزن‌دهی

شاخص سال	نرخ بیکاری	سهم جمعیت با اشتغال ناقص	سهم اشتغال بخش صنعت	سهم اشتغال بخش خصوصی
۱۳۸۴	۰/۴۸۴	۰/۳۸۴	۰/۱۲۹	۰/۰۰۲
۱۳۸۵	۰/۴۱۹	۰/۴۱۷	۰/۱۶۲	۰/۰۰۲
۱۳۸۶	۰/۳۳۳	۰/۴۳۵	۰/۲۲۸	۰/۰۰۴
۱۳۸۷	۰/۳۶۹	۰/۴۰۵	۰/۲۲۳	۰/۰۰۴
۱۳۸۸	۰/۳۶۹	۰/۴۰۴	۰/۲۱۹	۰/۰۰۸

منبع: محاسبات نگارندگان

نتایج بررسی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی که در جدول ۲ آمده است، نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی، چهارمحال و بختیاری، یزد، سیستان و بلوچستان، و تهران توسعه یافته‌ترین استان‌ها از حیث بازار کار مناطق روستایی بوده و در طیف دیگر، استان‌های اردبیل، کرمانشاه، آذربایجان غربی، و ایلام در کمترین سطح توسعه بازار کار قرار داشته‌اند. علاوه بر آن، ایلام تنها استانی است که طی پنج سال برنامه چهارم توسعه توانسته است همواره روندی صعودی در توسعه بازار کار مناطق روستایی خود را تجربه کند.



منبع: محاسبات نگارندگان، بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

شکل ۱- توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها با روش برترین پیشنهاد

از راه حل ایده‌آل در برنامه چهارم

مقایسه سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی در سال‌های ابتدایی و پایانی برنامه چهارم توسعه طبق معیار فاصله انحراف معیار سطح توسعه در پنج سال نسبت به سال اول دوره مورد بررسی نیز بیانگر کاهش سطح توسعه بازار کار اکثر این مناطق است. در این میان، تنها سطح توسعه بازار کار نه استان (مانند قم، سیستان و بلوچستان، و سمنان) با افزایش مواجه بوده و همچنین، سطح توسعه بازار کار برخی مناطق (مانند استان مازندران) چندان تغییر نکرده است. البته باید توجه داشت که کاهش صورت گرفته در سطح توسعه بازار کار این مناطق بسیار اندک و اغلب کمتر از ده درصد بوده، به گونه‌ای که استان اصفهان با حدود ۲۲ درصد بالاترین تغییر را در این زمینه تجربه کرده است. از سوی دیگر، میانگین تغییرات صورت گرفته در راستای بهبود بالاتر بوده است.

جدول ۲- ضریب توسعه بازار کار نقاط روستایی استان‌ها با روش تاپسیس: برنامه چهارم توسعه

نام استان	کد استان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
آذربایجان شرقی	۳	۰/۴۲	۰/۳۵	۰/۳۷	۰/۲۷	۰/۳۷
آذربایجان غربی	۴	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۱۷
اردبیل	۲۴	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۷
اصفهان	۱۰	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۴۵	۰/۳۱	۰/۴۹
ایلام	۱۶	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۲۱
بوشهر	۱۸	۰/۴۰	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۳۱
تهران	۲۳	۰/۷۳	۰/۵۰	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۸۲
چهارمحال و بختیاری	۱۴	۰/۸۳	۰/۷۳	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶
خراسان جنوبی	۲۹	۰/۵۱	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۴۶
خراسان رضوی	۹	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۲۲
خراسان شمالی	۲۸	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۲۹	۰/۲۵
خوزستان	۶	۰/۴۰	۰/۳۲	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۳۵
زنجان	۱۹	۰/۳۸	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۲۲	۰/۲۴
سمنان	۲۰	۰/۳۷	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۵۵
سیستان و بلوچستان	۱۱	۰/۷۱	۰/۹۰	۰/۸۴	۰/۴۴	۰/۹۴
فارس	۷	۰/۳۳	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۲۲
قزوین	۲۶	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۳۶
قم	۲۵	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۲۴	۰/۲۸	۰/۶۳
کردستان	۱۲	۰/۳۱	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۲۲
کرمان	۸	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۲۱
کرمانشاه	۵	۰/۱۵	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۱۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷	۰/۳۵	۰/۲۶	۰/۴۰	۰/۳۷	۰/۳۵
گلستان	۲۷	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۳۳
گیلان	۱	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۲۲
لرستان	۱۵	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۱۸
مازندران	۲	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۲۷	۰/۳۴
مرکزی	۰	۰/۳۲	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۲۴
هرمزگان	۲۲	۰/۵۰	۰/۳۶	۰/۳۸	۰/۴۶	۰/۴۷
همدان	۱۳	۰/۳۴	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۲۱	۰/۳۱
یزد	۲۱	۰/۷۴	۰/۵۶	۰/۶۱	۰/۵۰	۰/۶۳

منبع: محاسبات نگارندگان، بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

تعیین سطح توسعه بازار کار مناطق شهری استان‌ها

همانند قسمت پیشین، ابتدا با توجه به بی‌نظمی هر سال، وزنی خاص به هر شاخص اختصاص داده شده، که نتایج آن را می‌توان در جدول ۳ مشاهده کرد. در طول دوره، شاخص سهم اشتغال در بخش خصوصی کمترین بی‌نظمی و در نتیجه، کمترین وزن را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، شاخص سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص در طول پنج سال برنامه چهارم توسعه بیشترین بی‌نظمی و در نتیجه، بیشترین وزن را داراست.

جدول ۳- وزن شاخص‌های عمده بازار کار مناطق شهری با روش وزندهی آنتروپی

شاخص سال	نرخ بیکاری	سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص	سهم اشتغال بخش صنعت	سهم اشتغال بخش خصوصی
۱۳۸۴	۰/۲۰۵	۰/۵۸۷	۰/۱۸۵	۰/۰۲۴
۱۳۸۵	۰/۳۱۲	۰/۵۰۶	۰/۱۵۸	۰/۰۲۴
۱۳۸۶	۰/۱۷۲	۰/۶۹۱	۰/۱۱۷	۰/۰۱۹
۱۳۸۷	۰/۲۴۰	۰/۶۰۳	۰/۱۳۵	۰/۰۲۱
۱۳۸۸	۰/۱۷۹	۰/۶۹۵	۰/۰۹۸	۰/۰۲۸

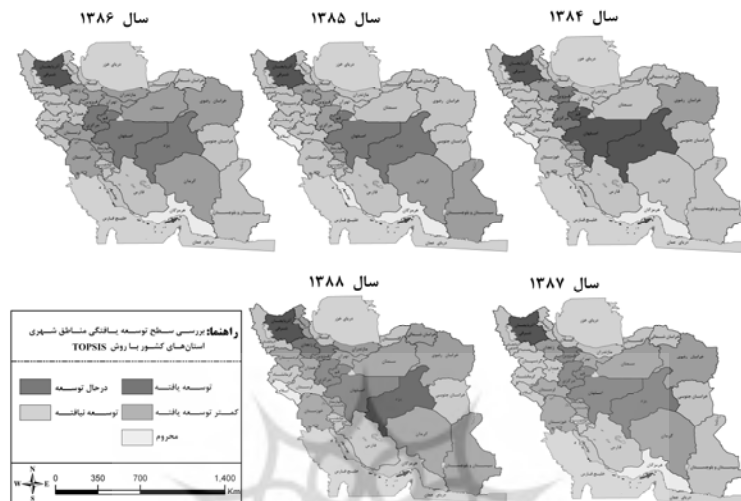
منبع: محاسبات نگارندگان.

پس از تعیین وزن شاخص‌ها، لازم است با یکدیگر تلفیق شوند تا سطح توسعه مناطق شهری استان‌های کشور تعیین شود، چنان‌که در جدول ۴ و شکل ۲ نیز آمده است. با توجه به نتایج به دست آمده، در کل، میزان توسعه بازار کار مناطق شهری کشور در سطح توسعه نیافته بوده است؛ اما با گذشت سال‌های برنامه چهارم توسعه، وضعیت اکثر استان‌ها بهبود یافته، به گونه‌ای که با مقایسه سطح توسعه یافتگی بازار کار مناطق شهری استان‌ها در سال‌های نخست و پایانی برنامه چهارم، می‌توان گفت که تنها سطح توسعه بازار کار پنج استان (قم، آذربایجان شرقی، اصفهان، فارس، و کهگیلویه و بویراحمد) کاهش یافته است؛ همچنین، بقیه استان‌ها با افزایش سطح توسعه روبه‌رو بوده‌اند که در این میان، سه استان سیستان و بلوچستان، تهران، و هرمزگان بیشترین افزایش را در این زمینه تجربه کرده‌اند.

جدول ۴- ضریب توسعه بازار کار نقاط شهری استان‌های کشور با روش تاپسیس:
برنامه چهارم توسعه

نام استان	کد استان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
آذربایجان شرقی	۳	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۸۶
آذربایجان غربی	۴	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۴۰
اردبیل	۲۴	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۵۲
اصفهان	۱۰	۰/۹۱	۰/۷۸	۰/۷۱	۰/۷۴	۰/۷۹
ایلام	۱۶	۰/۱۶	۰/۲۰	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۲۵
بوشهر	۱۸	۰/۲۱	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۲۵	۰/۲۸
تهران	۲۳	۰/۳۹	۰/۳۸	۰/۴۹	۰/۴۱	۰/۵۹
چهارمحال و بختیاری	۱۴	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۴۹
خراسان جنوبی	۲۹	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۹	۰/۳۶
خراسان رضوی	۹	۰/۴۲	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۵۱
خراسان شمالی	۲۸	۰/۴۰	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۵۰
خوزستان	۶	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۴۸	۰/۴۵	۰/۴۳
زنجان	۱۹	۰/۵۹	۰/۴۸	۰/۵۲	۰/۴۹	۰/۷۲
سمنان	۲۰	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۵۰	۰/۴۷	۰/۵۱
سیستان و بلوچستان	۱۱	۰/۳۱	۰/۴۱	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۵۸
فارس	۷	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۳۳	۰/۳۱
قزوین	۲۶	۰/۶۳	۰/۴۹	۰/۵۶	۰/۶۱	۰/۷۳
قم	۲۵	۰/۹۳	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۷۱
کردستان	۱۲	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۴۲
کرمان	۸	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۴۲	۰/۴۲
کرمانشاه	۵	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۲۷
گلستان	۲۷	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۴۰
گیلان	۱	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۳۴	۰/۴۰
لرستان	۱۵	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۳۹
مازندران	۲	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۴۱	۰/۳۸	۰/۴۸
مرکزی	۰	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۶۸
هرمزگان	۲۲	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۲۶
همدان	۱۳	۰/۳۳	۰/۲۹	۰/۳۹	۰/۳۶	۰/۴۱
یزد	۲۱	۰/۸۱	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۷۰	۰/۸۶

منبع: محاسبات نگارندگان، بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)



منبع: محاسبات نگارندگان، بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

شکل ۲- توسعه بازار کار مناطق شهری استان‌ها با روش برترین پیشنهاد از راه حل ایده‌آل در برنامه چهارم توسعه

علاوه بر آن، همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، قم، یزد، و مرکزی پنج استان برتر و استان‌های هرمزگان، ایلام، و بوشهر سه استان محروم از نظر سطح توسعه بازار کار بوده‌اند.

مقایسه سطح توسعه‌یافتگی بازار کار مناطق شهری و روستایی (۱۷)

با مقایسه سطح توسعه‌یافتگی بازار کار در مناطق روستایی و شهری در شکل‌های ۱ و ۲، می‌توان مشاهده کرد که در طول برنامه چهارم توسعه، اکثر مناطق شهری در سطح توسعه‌نیافته و در حال توسعه قرار داشته‌اند، در حالی که اکثر مناطق روستایی از این نظر در سطح محروم و توسعه‌نیافته بوده‌اند. علاوه بر آن، میانگین سطح توسعه این دو منطقه که در جدول ۵ نمایش داده شده نیز نشان‌دهنده برتری سطح توسعه بازار کار در مناطق شهری است.

جدول ۵- میانگین و واریانس ضرایب توسعه بازار کار در مناطق شهری و روستایی

شاخص	سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
میانگین ضرایب توسعه بازار کار (شهری)	۰/۴۲۷	۰/۳۹۳	۰/۴۵۷	۰/۴۴۰	۰/۴۹۵	
واریانس ضرایب توسعه بازار کار (شهری)	۰/۰۵۰	۰/۰۳۴	۰/۰۲۶	۰/۰۳۰	۰/۰۳۱	
میانگین ضرایب توسعه بازار کار (روستایی)	۰/۳۷۸	۰/۲۸۹	۰/۳۰۸	۰/۲۸۱	۰/۳۷۵	
واریانس ضرایب توسعه بازار کار (روستایی)	۰/۰۳۷	۰/۰۳۴	۰/۰۴۲	۰/۰۳۰	۰/۰۵۰	

منبع: محاسبات نگارندگان

همچنین، اختلاف میانگین بین این مناطق تا ۱۳۸۷ همواره افزایش یافته و تنها در ۱۳۸۸ کمتر شده است؛ با این همه، مقدار اختلاف بیش از سال ابتدای دوره بوده و این موضوع نشانگر واگرایی در سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی از مناطق شهری و در نتیجه، افزایش دوگانگی بین این مناطق است. با مقایسه واریانس نتایج به دست آمده در این مناطق نیز می‌توان افزایش واگرایی سطح توسعه بین مناطق روستایی را مشاهده کرد، در حالی که این روند در مناطق شهری با گذشت زمان همگرا بوده است.

نتیجه‌گیری

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه مهم‌ترین سند بالادستی پس از قانون اساسی ایجاد فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد را در قالب یکی از اهداف چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ قلمداد کرده، که این مهم نیز خود در گرو توسعه موزون بازار کار است. نظریات متفاوت به تبیین تمایزات سطح توسعه بازار کار بر حسب مناطق پرداخته‌اند، که نظریه دوگانگی از مهم‌ترین آنهاست. علاوه بر آن، ویژگی‌ها و سطح توسعه بازار کار را می‌توان بر حسب مناطق روستایی و شهری تحلیل کرد. البته در ایران، پذیرش این موضوع نیاز به آزمون دارد، کما اینکه با توجه به ادبیات این حوزه مانند مطالعه لانوو (Launov, 2004)، این نظریه در بعضی از کشورها پذیرفته نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر کوشیده است تا با به‌کارگیری مهم‌ترین شاخص‌های بازار کار و استفاده از روش برترین پیشنهاد از راه حل ایده‌آل، به آزمون این نظریه با بهره‌گیری از بررسی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری استان‌های کشور

در طول برنامه چهارم توسعه پردازد. نتایج به دست آمده از سطح توسعه بازار کار شهری نشان می دهد که در کل، با گذشت سال های برنامه چهارم توسعه، وضعیت توسعه بازار کار در اکثر استان ها بهبود یافته اما در بازار کار مناطق روستایی، سطح توسعه بازار کار اکثر استان ها در سال آخر برنامه چهارم نسبت به سال آغاز آن چندان با بهبود مواجه نبوده است. با مقایسه واریانس سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی و شهری نیز می توان شاهد بیشتر شدن اختلاف توسعه بین مناطق روستایی در میان استان ها بود، در حالی که برخلاف آن، اختلاف توسعه در مناطق شهری با گذشت زمان رو به کاهش بوده است و این مناطق به سمت همگنی بیشتر پیش رفته اند. همچنین، میانگین سطح توسعه این دو منطقه نشانگر برتری سطح توسعه بازار کار در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است. علاوه بر آن، نتایج نشان دهنده فاصله گرفتن سطح توسعه بازار کار شهری از روستایی و افزایش دوگانگی در بازار کار است. بر این اساس، با آنکه بررسی نظری دوگانگی بازار کار نیاز به مطالعات جامع تر در این زمینه دارد اما، با توجه به نتایج پژوهش حاضر و مطالعاتی مانند پژوهش پناهی و مرسلی (۱۳۸۵)، دوگانگی میان بازار کار در مناطق روستایی و شهری ایران در طول برنامه چهارم توسعه را می توان پذیرفت.

از نظر سیاست گذاری، نتایج پژوهش حاضر و تجارب کشورهای هم چون مالزی و ترکیه نشان می دهد که توجه به توسعه بازار کار روستایی و نیز همگرایی آن به سوی سطح توسعه بازار کار شهری در ایران می تواند همسو با هدف ایجاد فرصت های برابر و توزیع مناسب درآمد قرار گیرد. علاوه بر آن، با نگاهی به وزن شاخص های مورد بررسی، می توان گفت که توجه به ارتقای شاخص های سهم جمعیت از اشتغال ناقص و بیکاری به دلیل نوسان های بیشتر نسبت به دیگر شاخص ها می تواند مسئولان را در راستای افزایش سطح توسعه بازار کار یاری کند.

یادداشت‌ها

- ۱- برای مطالعه بیشتر، برای نمونه، به تحقیق فلیچی (۱۳۷۹) مراجعه شود.
- ۲- برای مطالعه بیشتر، برای نمونه، به تحقیقات احمدیان (۱۳۸۲) و ربانی و همکاران (۱۳۸۳) مراجعه شود.
3. TOPSIS
4. Cain, G. (1976)
5. Doeringer, P. and Piore, M. (1980)
6. Saint-Paul, G. (1996)
7. T. Epstein and D. Joseph
8. D. A. Rondinelli
9. Harris, J. R and Todaro, M. P (1970)
10. Stiglitz, J (1974)
- ۱۱- مقدار اشتغال ناقص عبارت است از مجموع ساعت کار اضافی‌ای که افراد دارای اشتغال ناقص زمانی تمایل به انجام آن دارند (تا سقف ۴۴ ساعت) (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴: ۴).
- ۱۲- انتخاب سهم اشتغال در بخش صنعت در مناطق روستایی در مقایسه با بخش کشاورزی بدین خاطر است که در جریان توسعه، از سهم اشتغال بخش کشاورزی (و نه الزاماً تولید آن) کاسته می‌شود. علاوه بر آن، اشتغال در بخش صنعت شامل اشتغال در صنایع تبدیلی و تکمیلی نیز می‌شود، از این رو، در این مطالعه، شاخص اشتغال در بخش صنعت به شاخص اشتغال در بخش کشاورزی ترجیح داده شده است.
13. Hwang and Yoon
14. Shannon entropy
- ۱۵- به هر یک از عناصر موجود در یک ماتریس درایه می‌گویند. برای مشخص کردن هر درایه باید نام ردیف و ستون را در پایین نام ماتریس نوشت. برای مثال اگر نام ماتریسی i باشد درایه‌ای که در ردیف اول و ستون دوم قرار دارد به این صورت نشان داده می‌شود: $i, 2$.
- ۱۶- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، برای نمونه، به تحقیقات زیاری و همکاران (۱۳۸۹) و قائدرحمتی و همکاران (۱۳۸۹) مراجعه شود.
- ۱۷- در این بخش، آزمون تحلیل واریانس برابری میانگین‌ها در پنج سال مورد نظر انجام شده که نتایج آن نشان‌دهنده رد فرض صفر آزمون به معنی برابر نبودن میانگین توسعه بازار کار در پنج سال مورد نظر بوده است که با توجه بدین موضوع، مقایسه میانگین توسعه بازار کار در این سال‌ها از نظر آماری خالی از اشکال خواهد بود. علاوه بر آن، با استفاده از روش پس آزمون توکی، برابری میانگین‌ها در هر پنج سال به صورت دو به دو نیز رد می‌شود.

منابع

- آسایش، حسین (۱۳۷۵)، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: پیام نور.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۲)، «حاشیه‌نشینی؛ ریشه‌ها و راه حل‌ها». *اندیشه حوزة*، سال ۹، شماره ۳-۴ (پیاپی ۴۴).
- پناهی، رجب و مرسلی، ادریس (۱۳۸۵)، «بررسی نابرابری اشتغال شهری- روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۳۵-۸۵». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۵۶.
- ربانی، رسول و همکاران (۱۳۸۳)، «پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن». *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، جلد ۷، شماره ۲.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و موحد، علی (۱۳۷۷)، «عملکردهای شهری و توسعه روستایی از دیدگاه یوفرد: مورد بخش زواره». *مدرس علوم انسانی*، سال ۲، شماره ۸.
- زیاری، کرامت‌الله و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک تاپسیس». *پژوهش‌های جغرافیای انسانی* (پژوهش‌های جغرافیایی)، سال ۴۲، شماره ۷۲.

- سعادت، محمدجواد و همکاران (۱۳۸۷)، «تحلیل فضایی بیکاری در ایران». *مجله نامه مفید*، سال ۱۴، شماره ۶۹.
- طاهرخانی، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۳)، «تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین». *مدرس علوم انسانی*، سال ۸، شماره ۳۵.
- فلیحی، نعمت (۱۳۷۹)، «برآورد الگوهای عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی و بررسی میزان انعطاف‌پذیری بازار کار روستایی و شهری». *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۵، شماره ۱-۲ (پیاپی ۵۰).
- قائدرحمتی، صفر و همکاران (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان». *آمایش محیط*، سال ۳، شماره ۹.
- قدیری معصوم، مجتبی و همکاران (۱۳۸۴)، «بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان». *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال ۳۷، شماره ۵۴.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، *اقتصاد رشد و توسعه*. تهران: نشر نی.
- مرسلی، ادیس (۱۳۸۵)، بررسی نابرابری اشتغال شهری- روستایی استان آذربایجان غربی در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۴۵. *روستا و توسعه*، سال ۹، شماره ۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸)، *نتایج آمارگیری نیروی کار*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
- میرشجاعی، فخری و ارضروم‌چیلر، نسرین (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر شاخص‌های بازار کار در سال ۱۳۷۸». *تازه‌های اقتصاد*، سال ۷، شماره ۱۲۵.
- Fuest, C. and Thum, M, (2000), "Welfare effects of immigration in a dual labor market". *Regional Science and Urban Economics*, Vol. 30, No. 5.
- Launov, Andrey (2004), "An alternative approach to testing dual labour market theory". *The Institute for the Study of Labor (IZA) Discussion Paper*, No.1289.
- Meng, X. and Zhang, D. (2001), "The two-tier labor market in urban China: occupational segregation and wage differentials between urban residents and rural migrants in Shanghai". *Journal of Comparative Economics*, Vol. 29, No. 3.
- Reich, M.; Gordon, D. M.; and Edwards, R. (1973), "Dual labor markets: a theory of labor market segmentation". *American Economic Review*, Vol. 63, No. 2.